

تحلیلی بر عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌های نوجوانان بزهکار (استان یزد)

چکیده

در این مقاله، کوشش شده است استدلال گردد که نوزاد انسان در بدو تولد نه حقوق‌دان است و نه رفتار ضداجتماعی دارد ولی هرگاه محیط خانوادگی و اجتماعی او ناسالم باشد، احساسها و شناخته‌های او نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی ناسالم خواهد شد. پردازش احساسها و شناخته‌ها را «نگرش» خوانده‌ایم و با اجرای دو طرح پژوهشی در استان یزد به این نتیجه رسیده‌ایم که بزهکاران نوجوان اکثراً قربانیان جهل خانوادگی و جبر محیط اجتماعی خود هستند، به طوری که می‌توان آنان را «بزه‌دیده» نامید. نظر به این که در همه کشورهای جهان به طور نسبی این بزه‌دیدگان کم سال وجود دارند، سازمان ملل متحد (یونیسف) اخیراً (در سال ۱۹۹۹) این افراد را در طرحی به نام « طرح حکمیت برای کودکان » مورد حمایت قرار داده است. در استانهای ایران می‌توان با اجرای صحیح اصل سی‌ام قانون اساسی و نظارت مداوم بر اجرای ماده ۷۷ «آیین‌نامه اجرایی مدارس» میزان بزهکاری کودکان و نوجوانان و گرایش بی‌رویه آنان به کجروی‌های اجتماعی را کاهش داد.

کلید واژه‌ها: نوجوانان بزهکار، بزه‌دیدگان، اعلامیه حقوق کودک.

مقدمه

اگر « فلسفه جغرافیا » را عبارت از جهان‌بینی خاص از روابط جوامع انسانی و شرایط محیطی، پیوند واقعیت پدیده‌ها با یکدیگر در جهت آشنایی با وحدت و تجانس ناحیه‌یی

و بالاخره اصول و قوانین حاکم بر روابط انسانی و محیط بدانیم (شکوهی، ۱۳۶۹) به این نتیجه می‌رسیم که بین محیط جغرافیایی و رفتارهای ضداجتماعی افراد رابطه وجود دارد. این مقاله می‌کوشد استدلال نماید که نوزاد انسان در بدو تولد نه حقوق‌دان است و نه رفتار ضداجتماعی دارد؛ بلکه با مطالعه دقیق عوامل جغرافیایی انسانی، بوم‌شناسی و جبر محیط اجتماعی می‌توان به عواملی پی برد که در ارتکاب جرایم افراد دخالت دارد. این عوامل را می‌توان «بوم‌شناسی جنایی» نامید که در کشورها، شهرها و حتی در محله‌های یک شهر وجود دارد. این عوامل بر «نگرش» کودکان و نوجوانان نسبت به خود، دیگران و محیط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و آنها را به رفتارهای اجتماعی یا ضداجتماعی ترغیب می‌نماید.

واژه نگرش اخیراً در بحث‌های روان‌شناسی و مخصوصاً روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است به طوری که گاهی «روان‌شناسی اجتماعی» را «مطالعه علمی نگرشها» خوانده‌اند (آلپورت و همکاران، ۱۳۷۱).

در ترکیب شناختها، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند (کریمی، ۱۳۷۷).

در این مقاله، نگرش عبارتست از پردازش احساسها و شناختها که تابعی از زمان و مکان است و بر رفتار تأثیر می‌گذارد (علوم‌ی زیدی، ۱۳۷۹). طبق این تعریف، نگرش از دو عنصر اصلی تشکیل شده است:

۱- احساسها: احساسها شامل حالت‌های عاطفی فرد نسبت به اشیاء، افراد، عقاید و آراء است.

۲- شناختها: مجموعه اکتسابات فردی یعنی؛ معلومات، محفوظات، اطلاعات و تجربیات یک فرد می‌باشد.

به نظر می‌رسد میزان سازگاری یا عدم سازگاری نوجوانان با «خود»، «دیگران» و «مقررات اجتماعی» تابعی از نحوه پردازش این دو عنصر در تعامل زمان و مکان باشد؛ یعنی اگر نوزاد انسان را موجودی فعال و اثرپذیر بدانیم، رفتارهای (او به جز حرکات انعکاسی) تابعی از نحوه پردازش احساسها و شناخت‌های او خواهد بود. این احساسها و شناخت‌ها که از محیط کسب می‌شود در طول سال‌های کودکی به نگرش‌ها و در سنین نوجوانی به باورها تبدیل می‌گردد. باورها در طول زمان تقویت و یا تضعیف می‌گردد و

باورهای تقویت شده به عقاید تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد بسیاری از نوجوانان قادرند برای اثبات عقاید خود، از خواستها و نیازهای خود دست بردارند.

سابقه نظری و عملی پژوهش

تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که عوامل بزهکاری در شهرهای مختلف تابعی از محیط خاص جغرافیایی موجود در محلات و مناطق مختلف شهری یا روستایی است در کتاب «مبانی جرم‌شناسی» در مورد عامل مسکن در بزهکاری از قول کلیفورد شاو نقل شده است (کی‌نیا، ۱۳۶۹):

در شیکاگو، درصد افرادی که بدون عذر موجه غیبت می‌کنند و بر سر کار خود حاضر نمی‌شوند و درصد نوجوانان بزهکار و جنایتکار بزرگسال به طور مسلم از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگر تغییر می‌نماید. بالاترین درصد مربوط به مرکز شهر است و به طور کلی به تدریج که از مرکز به محیط شهر نزدیک می‌شویم از درصد جرائم کاسته می‌شود.

تحقیقات استانیسلیو^۱ نشان می‌دهد در بعضی از محلات پاریس که از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و فقیر هستند و اکثریت ساکنان آن را کارگران عادی و بدون کوچکترین اطلاعات فنی تشکیل می‌دهند بعد از کار فرساینده روزانه در برابر داد و فریاد افراد خانواده و مشاهده زد و خورد آنان به می‌گساری می‌پردازند. نامبرده به این نتیجه می‌رسد که در این گونه محلات که «شکم» حکومت می‌کند «فرهنگ» معنایی ندارد (کی‌نیا، ۱۳۶۹). بسیاری از محققان معتقدند که این نوع توزیع بزهکاری در بسیاری از شهرها قابل اثبات است (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶)؛ یافته‌های محققان دیگر نیز نشان می‌دهد که درصد بزهکاری نوجوانان در محله‌های فقیرنشین بیشتر از محله‌های اعیان‌نشین است.

سابقه پژوهش در ایران

«متخصصان، بزه‌شناسان و جامعه‌شناسان جنایی، در کاربرد واژه «محیط»، فقط به حالت ایستایی یا سکون دنیایی که ما را احاطه کرده است، توجه ندارند؛ بلکه به تأثیر و نقش عامله یا پویایی آن در هر موجود زنده نظر دارند و مراد آنان از این کلمه، کلیه شرایط و امور و دقایقی است که موجب تکامل هر موجود زنده و بخصوص تحول

شخصیت انسانی می‌شود» (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ۴۶۳). مطالعه محیط انسانی و کیفیت جرم‌زایی آن موضوع اختصاصی «جامعه‌شناسی جنایی» است. این علم به مطالعه عوامل یا سازه‌های جرم‌زا می‌پردازد و «بزه» را یک پدیده ناشی از وجود انسان اجتماعی می‌داند. به بیان رساتر، سازه‌های بزه را در محیط اجتماعی و وجود خود انسان که خارج از محیط نیست جستجو می‌کند. نتیجه این که، تفکیک انسان از محیط یک عمل ذهنی و انتزاعی است و دانشمندان فقط برای تسهیل مطالعات علمی، موقتا دست به این عمل تصنعی می‌زنند و محیط انسانی را قبل از خود انسان مطمح نظر قرار می‌دهند. در کتاب روان‌شناسی جنایی عوامل بزهکاری به دو دسته تقسیم شده است (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶):

عوامل داخلی شامل: عوامل فردی (جنس، سن، عوامل ژنتیکی و قدرت بدنی).
عوامل روانی (آستانه تحریک‌پذیری، میزان اضطراب، احساس حقارت، کسب قدرت).
عوامل خارجی شامل: عوامل جغرافیایی (اوضاع اقلیمی، شهر یا روستایی، محله، آلودگی‌های محیطی و جوی). عوامل اجتماعی (فرهنگ خانوادگی، وضعیت اقتصادی، مهاجرت و جمعیت خانوار).

کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی» (ستوده، ۱۳۷۸) بر مبنای فوق به بررسی میزان خودکشی افراد در کشورهای مختلف پرداخته و به استناد آمار سال ۱۹۸۷ سازمان بهداشت جهانی، میزان خودکشی در کشور مجارستان را برای مردان ۶۶۱ و برای زنان ۲۵۹ مورد بیان نموده است. در همان سال میزان خودکشی در ایران ۱۶ مرد و ۴ زن و در کشور مصر برای هر دو جنس صفر گزارش شده است.

نویسنده کتاب آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، علت افزایش جرائم را در شهرنشینی می‌داند (فرجاد، ۱۳۷۴).

نویسنده کتاب «اطفال و جوانان بزهکار» (دانش، ۱۳۷۲) در زمینه تأثیر محیط جغرافیایی و اجتماعی در تشکیل باندهای بزهکار می‌نویسد:

۱- اطفال و نوجوانان ساکن آپارتمان‌ها به علت فقدان فضای کافی برای هواخوری و رفع خستگی، با تجمع در محوطه آپارتمان به طرف تشکیل باند گرایش پیدا می‌کنند. آنها ابتدا به عنوان دیدار و وقت‌گذرانی دور هم جمع می‌شوند و رفته‌رفته با تشکیل باند، مرتکب جرایم مختلف می‌شوند.

۲- در روستاها تشکیل باند اطفال و جوانان بزهکار نادر است و در شهرهای صنعتی تشکیل اینگونه باندها بیش از سایر شهرهاست.

داده‌های دو طرح پژوهشی در استان یزد

طرح اول با عنوان «تحلیلی از چگونگی ادامه تحصیل دانش‌آموزان معدل بیست استان یزد» (علمی یزدی، ۱۳۷۷) به مطالعه وضعیت خانوادگی و شرایط اجتماعی کلیه ۴۵۶ نفر از دانش‌آموزان معدل بسیت دوره ابتدایی استان یزد در سال تحصیلی ۶۳ - ۱۳۶۲ پرداخته و زندگی تحصیلی و اجتماعی ۱۴ سال آنان را تا سال ۱۳۷۷ تعقیب نموده است. داده‌های این طرح، تأثیر محیط جغرافیایی در پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان معدل بیست را به خوبی نشان داده است. ۷۱ درصد افراد مورد مطالعه متعلق به شهرستان یزد و ۲۹ درصد بقیه متعلق به شهرهای تابعه استان بودند، ۶۰ درصد از معدل بیست‌های شهرستان یزد در دو خیابان اصلی و مرکزی این شهرستان زندگی می‌کرده‌اند و از امکانات آموزشی مناسب و حضور با تجربه‌ترین مدیران و معلمان استفاده کرده بودند. اکثر این دانش‌آموزان از خانواده‌های طبقه اول و دوم اجتماع بودند که علاوه بر داشتن امکانات رفاهی و آموزشی مناسب، در ایام فراغت از امکانات خاص ورزشی، هنری و حضور در کلاسهای زبان خارجه و کامپیوتر استفاده می‌کردند. هرچه قدر از این دو خیابان اصلی، دورتر می‌شدیم از تعداد معدل بیست‌های مدارس کاسته می‌شد. به طوری که در کل مدارس مناطق حاشیه‌ای هیچ دانش‌آموزی معدل بیست نیاورده بود. در شهرستانهای تابعه استان نیز این امر صادق بود و در روستاهای دوردست حتی مدرسه‌ای در سطح ابتدایی برای ادامه تحصیل کودکان وجود نداشت.

طرح دوم با عنوان «مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار استان یزد» (علمی یزدی، ۱۳۸۰) به مقایسه شرایط خانوادگی و اجتماعی ۱۰۰ نمونه از نوجوانان بزهکار و محکوم که در کانون اصلاح و تربیت استان به طور تصادفی انتخاب شده بودند با شرایط خانوادگی و اجتماعی ۱۷۰ نمونه از دانش‌آموزان مشغول به تحصیل که به روش خوشه‌ای انتخاب شده بودند مبادرت گردید.

بررسی شرایط محیطی «نوجوانان بزهکار» نشان داد که اکثریت آنان از خانواده‌های فقیر، پراولاد، بی‌سواد و یا کم‌سواد و از مهاجرین به استان یزد بودند. تنها ۱۱ درصد خود

را دانش‌آموز مشغول به تحصیل می‌دانستند و ۸۹ درصد بقیه در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال، خود را شاغل یا بی‌کار معرفی نمودند. ۱۴ درصد آنان از کودکی یتیم شده و ۲۳ درصد دارای مادر ناتنی بودند به طوری که ۱۶ درصد آنها تنها و ۹ درصد با اقوام خود زندگی می‌کردند. تأثیر عوامل محیطی بر طرز تفکر دو گروه از افراد مورد مطالعه نشان داد که نگرش آنان نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی وجوه مشترکی دارد که قسمتی از این یافته‌ها به شرح زیر است:

۱- نگرش نسبت به خود: احساس ناامیدی نسبت به آینده در نوجوانان بزهکار ۱۸ درصد بیشتر و احساس خوشبختی در آنان ۴۲ درصد کمتر بود. احساس اضطراب در نوجوانان بزهکار ۲۴ درصد بیشتر و احساس خجالتی بودن ۲۵ درصد بیشتر و سرانجام احساس پذیرش توسط دیگران در نوجوانان بزهکار ۳۴ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود.

۲- نگرش نسبت به دیگران: عدم اعتماد به دوستان در نوجوانان بزهکار ۱۲ درصد بیشتر و همچنین وفای به عهد نسبت به دوستان ۱۹ درصد بیشتر بود. این بدان معناست که بسیاری از نوجوانان بزهکار قربانی امیدال دوستان ناباب خود بوده‌اند ولی باز هم برای قربانی شدن آمادگی داشتند. نوجوانان بزهکار احساس عدم مقبولیت توسط دیگران را ۱۹ درصد بیشتر و احساس بی‌احترامی نسبت به خود را ۳۲ درصد بیشتر تجربه کرده بودند. و به همین دلیل کوشش برای جلب رضایت دیگران در آنان ۵۲ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود.

۳- نگرش نسبت به مقررات اجتماعی: عدم اجرای قوانین توسط دیگران در باور نوجوانان بزهکار ۲۱ درصد بیشتر بود. و به همین دلیل، نگرش آنان نسبت به این که همه انسانها خوب هستند ۲۶ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود. بالاترین میزان جرایم در استان مورد بررسی حمل و مصرف مواد مخدر (۶۱ درصد) بوده است ولی ۴۱ درصد این نوجوانان پیروان مذهب تسنن و بر این باور بودند که تولید، حمل و فروش مواد مخدر به عنوان «دارو» شرعا جایز است.

بحث

نتایج به دست آمده از تحقیقات فوق نشان می‌دهد که از عوامل مهم افزایش بزهکاری در نوجوانان استان یزد، ۱- گسترش بی‌رویه توسعه قلمرو آستانه‌ای ۲- اختلاف

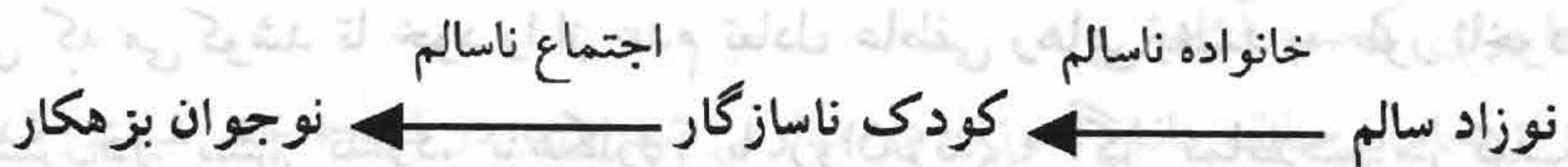
فاحش در تودیع ناعادلانه امکانات آموزشی در مناطق مختلف شهری و روستایی می باشد. برای تغییر و توسعه قلمرو شهرها آستانه‌ای وجود دارد که با عبور از آن آستانه رشد شهر و حتی افزایش وسعت آن غیراقتصادی خواهد بود و به رکود و احتمالاً فروپاشی منجر خواهد گردید. افزایش میزان جنایات، اعتیاد، فقر، بیکاری، آلودگی خاک، آلودگی هوا، آلودگی آب به این فروپاشی دامن می زند و مهم تر از همه مقاومت در برابر مطالبات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی از جمله عوامل دیگری است که به این فروپاشی کمک می کند (مقیم، ۱۳۸۱).

برای شناخت دومین عامل بزهکاری در استان یزد، می توان به تحلیل ساخت اکولوژیکی شهری آن پرداخت. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ مساحت شهر یزد از ۱/۰۰۰ هکتار به ۱۱/۰۰۰ هکتار رسیده است (شماعی، ۱۳۸۰). یعنی رشد متوسط ۸/۳٪ در سال. همچنین جمعیت از ۱۱۳/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۰ به ۳۸۸/۱۰۷ نفر در سال ۱۳۸۰ با رشد متوسط ۴/۲ درصد روبرو بوده است. رشد پرشتاب شهر یزد در این سالها سازمان فضایی سنتی و همگون شهر را که در گذشته‌ای نه چندان دور، متکی به تقسیمات محله‌ای بود در هم شکسته است. توسعه فیزیکی و کالبد ناموزون شهر موجب جدایی‌گزینی‌های اجتماعی شده است. گرایش به قطبی شدن یا جدایی‌گزینی اجتماعی که جزو شهرهای بزرگ است در شهر یزد به سرعت در حال گسترش است به طوری که به راحتی می توان اقشار اجتماعی ساکن در شهر را در چهار قشر مرفه، متوسط، کم درآمد و بسیار فقیر به وضوح شناسایی کرد (شماعی، ۱۳۸۰).

بررسی آمار نوجوانان بزهکار استان یزد نشان داد که اکثریت آنها از قشر سوم و چهارم بودند. در واقع می توان آنان را قربانیان جهل خانواده و جبر محیط اجتماعی دانست. عدم توزیع عادلانه امکانات تربیتی در سطح استان باعث محرومیت گروه کثیری از کودکان و نوجوانان شده بود.

بررسی شرایط خانوادگی و اجتماعی کودکان و نوجوانان بزهکار نشان داد که همه آنها از بدو تولد دارای اختلالات روانی، مشکلات شخصیتی و ضایعات مادرزادی نبوده‌اند، که در اثر عدم وجود شرایط تربیتی مساعد به انحراف کشیده شده و در اثر عوامل بیرونی به افرادی مسخ شده تبدیل شده بودند (مطهری، بی تا).

نتایج به دست آمده از دو طرح فوق به خوبی نشان داد که عوامل محیطی و مخصوصاً عامل جغرافیایی یکی از عوامل مهم در شیوه زندگی کودکان و نوجوانان است، به طوری که می‌توان مراحل زیر را برای اکثریت بزهکاران نوجوان صادق دانست:



به عبارتی دیگر، هرچند همه بزهکاران نوجوانان متعلق به خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد نیستند ولی می‌توان ادعا نمود که همه آنها دارای مشکلات تربیتی هستند و حداقل می‌توان آنها را در دو گروه زیر قرار داد.

۱. بزهکاران بدآموز: اکثر این نوجوانان از خانواده‌های مرفه اجتماعی هستند که در محله‌های اعیان‌نشین زندگی می‌نمایند. بزرگترین مشکل آنان این است که بد تربیت شده‌اند و طبق باورها و امیال درونی خود عمل می‌کنند. اجرای قوانین برای آنان گاهی بی‌ارزش و گاهی مغایر با باورهای شخصی آنهاست. آنها از تصاویر ماهواره‌ای، CD و نوارهای صوتی - تصویری الهام می‌گیرند و با آرایش سر و صورت و پوشیدن لباسهای غیرمتعارف می‌خواهند به جامعه تفهیم نمایند که فرم جامعه را قبول ندارند. بیشترین محکومیت آنها تخلفات رانندگی و سوء مصرف مواد دارویی است.

۲. بزهکاران دست‌آموز: بسیاری از این نوجوانان مظلوم‌ترین افراد جامعه خود هستند. اغلب آنها از خانواده‌های طبقات پایین اجتماعی و محله‌های فقرنشین و متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده‌اند یا قربانیان دست‌نمادری و بزرگسالان سودجو، (فامیل یا غیرفامیل) هستند.

تعدادی از آنان از دوران کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، تعدادی برای تکدی‌گری و جیب‌بری آموزش دیده‌اند. تعدادی دیگر برای رهایی از مظالم خانوادگی از منزل فرار کرده یا دست به خودکشی می‌زنند. محیط زندگی آنها فاقد امکانات تربیتی صحیح است. به همین دلیل اکثراً ترک تحصیل زودرس داشته‌اند و کوچه و خیابان برای آنان به مدرسه بزهکاری تبدیل شده است. تعدادی از آنان در حمل مواد مخدر به صورت اصطلاحاً «انباری» جان خود را از دست می‌دهند بدون اینکه مقصرین اصلی شناسایی و مجازات شوند.

کی‌نیا (۱۳۷۴) مدعی است ریشه تمام واکنشهایی که "بزهکاری" خوانده می‌شود در اثر حالتی است که به انسان در اثر ناکامی و فشارهای محیطی دست می‌دهد. ناکامی‌ها و محرومیت کودکان در ارضای نیازهای اصلی از علل بزهکاری است. کودک ناکام، هنگامی که می‌کوشد تا خود را از عدم تعادل عاطفی رهایی بخشد به طور ناخودآگاه دو راه بیشتر در پیش ندارد. بزهکاری یا روان‌نژندی؛ اگر تمایلات سرکوب گردد، روان‌نژندی بروز می‌کند و اگر کودک امکان مقاومت در برابر فشار محیط را از دست بدهد. لاجرم دست به جنایت می‌زند.

بررسی وضعیت تحصیلی بزهکاران دست‌آموز به خوبی نشان داد که اکثر آنان بی‌سواد یا کم‌سواد بودند و شانس اشتغال آنها بسیار ضعیف بود. به استناد آمار سال ۱۳۷۵، جایگاه استان یزد از نظر ضریب اشتغال در بین همه استانها مرتبه دوم (بعد از استان سمنان) بوده است (زیاری، ۱۳۸۰، ۹۵) ولی میزان تحصیلات بیکاران استان در همان سال ۸ درصد تحصیلات عالی، ۳۲ درصد در حد متوسطه، ۶۰ درصد در بین سنین ۱۵ تا ۲۹ سال بی‌سواد و کم‌سواد بودند. این در حالی است که در اصل سی‌ام قانون اساسی می‌خوانیم: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». ولی نتایج دو طرح پژوهشی انجام شده در استان یزد که داده‌های آن در این مقاله ارایه شده است به خوبی نشان می‌دهد که تغییرات سریع اجتماعی و گسترش بی‌رویه توسعه قلمرو آستانه‌ای از عوامل اصلی معضلات اجتماعی و بزهکاری نوجوانان بوده است، به طوری که می‌توان نتیجه‌گیری نمود که:

در استان یزد از دهه دوم انقلاب و مخصوصاً بعد از پایان جنگ تحمیلی، آثار شوم تورم اقتصادی و به دنبال آن، مهاجرت روستاییان به شهرها از یک طرف و ازدیاد بی‌رویه جمعیت از طرف دیگر اکولوژی شهری را تحت تأثیر قرار داده است. این عوامل منفی، زمینه‌ای مساعد برای بروز انواع مفاسد اجتماعی و مخصوصاً اعتیاد را فراهم نموده است. اهم این عوامل منفی عبارتند از:

۱) از هم پاشیدگی فرهنگهای بومی و حمیت‌های قومی به سبب مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای استان.

(۲) به وجود آمدن رقابتها و چشم و هم‌چشمی‌ها در بین طبقات مختلف مردم، خصوصا در زمینه کسب درآمد بیشتر.

(۳) ازدیاد فشارهای اقتصادی و روانی بر اغلب خانواده‌ها و در نتیجه افزایش استفاده از داروها برای کسب آرامش.

(۴) ازدحام بی‌سابقه دانش‌آموزان در مدارس شهری و در نتیجه چند شیفتی شدن آنها و افزایش ساعات فراغت دانش‌آموزان و رها بودن آنها در پارکها و خیابانها.

با مطالعه مقالات ارائه شده در همایش‌های سراسری «اعتیاد جوانان و نوجوانان» به این نتیجه می‌رسیم که عوامل فوق مختص به استان یزد نیست بلکه شواهد نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۰ به بعد، همه استانها به طور نسبی با موج عظیم بزهکاران در همه سنین و خصوصا در مهاجرین جوان و نوجوان به شهرها روبه‌رو بوده است.

در جلد دوم کتاب روان‌شناسی جنایی می‌خوانیم (کی‌نیا، ۱۳۷۹، ۶۳۹-۶۲۸):

اعتیاد زائیده مشکلات تربیتی است؛ یعنی نسل جوان را برای قبول مسؤلیت و تحمل مشکلات و یافتن راه‌حل مناسب و مساعد آماده نساخته‌ایم و برنامه صحیح تربیتی برای ایام فراغت آنان تنظیم نکرده‌ایم و روحیه اجتماعی شدن و با اجتماع زیستن و برای اجتماع زیستن را در آنان ایجاد نکرده‌ایم و وسایل تفریحات، فعالیتها و اشتغالات سالم جمعی برای آنان فراهم نکرده‌ایم. ما علوم انسانی و مطالعات تربیتی را در دست‌وپا گذاشته‌ایم و همان مؤلف در جای دیگر، اعتیاد را فریاد اعتراض علیه جامعه می‌داند و می‌نویسد: امروزه در بسیاری از موارد، دارو فقط یک وسیله اعتراض است و از همه وسایل اعتراض منفی‌تر است. اعتیاد برای بعضی از جوانان بدنهاد، همان عنوانی را دارد که ناکامی‌های حرفه‌ای، تحصیلی یا اجتماعی و بعضی رفتارهای ضداجتماعی؛ یک خودکشی حقیقی ناخودآگاه است.

نتیجه‌گیری

مطالب فوق به این نتیجه می‌رسد که معضلات اجتماعی و افزایش بی‌رویه بزهکاری در کودکان و نوجوانان ایرانی تابعی از نگرش‌های ناسالم بزرگسالان نسبت به شیوه صحیح تربیت آنان است. این شیوه‌های غلط تربیتی آنچنان شایع است که ظاهرا طبیعی و منطقی به حساب می‌آید. شایع‌ترین و مخرب‌ترین این شیوه تربیت، تنبیه بدنی کودکان و

- نوجوانان و تحقیرهای لفظی آنان در مدارس است. این در حالی است که دولت جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۳ پیمان نامه جهانی حقوق کودک (۱) را پذیرفته است. ولی اکثر معلمان نسبت به آن بی اطلاع و یا بی توجهند، دو نمونه از این نوع گزارشات:
۱. گزارش پژوهشی « بررسی علل ترک تحصیل دانش آموزان مقطع ابتدایی در سالهای تحصیلی ۱۳۵۸-۵۷ تا ۱۳۷۶-۷۷ در بخش هرات از توابع استان یزد» (زارع و دهقان، ۱۳۷۷): نشان می دهد که ۵۴ درصد از تارکان تحصیل، رفتار نامناسب و مخصوصاً تنبیه بدنی توسط مسؤولان مدرسه را در ترک تحصیل خود مؤثر دانسته و به همین دلیل برای همیشه درس و مدرسه را ترک کرده اند.
 ۲. در تحقیق « بررسی انجام تنبیه بدنی در مدارس راهنمایی پسرانه ناحیه یک شهرستان یزد» (زارع، ۱۳۷۸) چنین نتیجه گیری شده است:
- ۷۷ درصد دبیران دوره راهنمایی تحصیلی که به هر صورت با تنبیه بدنی موافق بودند بنابر اقرار خودشان در دوران تحصیلات تنبیه بدنی شده بودند؛ ۴۴ درصد از دبیرانی که با تنبیه بدنی موافق بودند، اظهار داشتند: تنبیه بدنی باعث می شود که دانش آموزان تکالیف درسی خود را بهتر انجام دهند و مقررات مدرسه را مراعات نمایند.
- بررسی تحقیقات انجام شده در استانهای مختلف گویای این واقعیت است که تنبیه بدنی و تحقیرهای لفظی به نوعی در همه استانها وجود دارد و به قول زهره دانش پژوه « نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه تنبیه، حاکی از این حقیقت است که جامعه نه تنها تنبیه را مردود نمی شمارد، بلکه آن را لازم می داند. تنبیه در اشکال مختلف، در مدارس ایران هنوز متداول است» (دانش پژوه، ۱۳۷۹).
- در این گزارش به سه گزارش دیگر بدین شرح اشاره شده است:
۱. بر اساس بررسی های انجام شده فقط ۱۶ درصد پسران و ۳۶ درصد دختران نمونه تحقیق (دانش آموزان سال دوم راهنمایی شهرستان فردوس خراسان) تاکنون تنبیه نشده اند.
 ۲. در بررسی دیگر، گزارش شده است که حدود ۵۰ درصد از اولیای مدارس کردستان در حال حاضر از تنبیه بدنی استفاده می کنند.
 ۳. در تحقیقی دیگر از مدارس راهنمایی شهر ارومیه، مشخص گردید که تنبیه بدنی در حال حاضر با ابزارهایی چون کمر بند، شلاق، چوب، سیم، کابل، خط کش و خود کار به وسیله عوامل اجرایی مدارس - اعم از مدیر، معاون، معلم و مربی - صورت می گیرد.

شواهد نشان می‌دهد که بتوان رابطه‌ای بین میزان تنبیه بدنی کودکان و نوجوانان و میزان بزهکاری آنان در مناطق مختلف ایران به دست آورد. برای مثال، در « ماهنامه اصلاح و تربیت » در مقاله‌ای با عنوان « پرخاشگری نوجوانان » آمده است: « به نظر می‌رسد کودکانی که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز در خانه و مدرسه‌اند، با این که خود قربانی تجاوز هستند، احتمالاً در روابط متقابل با دیگران، رفتار پرخاشگرانه‌ای در پیش خواهند گرفت » (مجله اصلاح و تربیت، ۱۳۷۸).

مطالعات نشان می‌دهد که تأثیر عوامل جغرافیایی و فرهنگی باعث شده است که نوع جرم و یا تعداد جرائم در یک استان نسبت به استان دیگر متفاوت باشد؛ حتی می‌توان در هر استان شهری را نام برد که آمار نوعی از انحرافات در آنجا شایع‌تر است برای مثال در سالنامه آماری سال ۱۳۷۸ سازمان پزشکی قانونی بالاترین میزان متوفیات ناشی از تصادفات متعلق به استان تهران است و استان یزد در آن سال، در بین ۲۷ استان، مرتبه ۲۴ را داشته است. از نظر میزان متوفیات ناشی از اعتیاد نیز استان تهران رتبه اول و استان یزد رتبه ۲۴ را دارد ولی در مورد خودکشی استان خراسان رتبه اول دارد و استان یزد در رتبه ۲۳ است. البته همه جرم‌شناسان به محلی بودن بزهکاری در شهرها و محله‌های یک شهر اتفاق نظر ندارند.

برای مثال گروهی بر این باورند که در محله‌های اعیانی شهرها سرقت و جرایم علیه اموال توسط ساکنان این محل‌ها کمتر اتفاق می‌افتد ولی در عوض این گونه مراکز، کانون رفتارهای مجرمانه ولی مجرمانه می‌باشد که جامعه‌شناسان آمریکایی این دسته از جرایم پوشیده از انظار را تبه‌کاری مردان « یقه سفید » می‌نامند. (کی‌نیا، ۱۳۷۹، ۷۱۲).

بسیاری از این گونه اعمال نه تنها به اطلاع پلیس و دادگاه‌ها نمی‌رسد، بلکه چنان هوشمندانه و ماهرانه ولی برخلاف اصول اخلاقی به وقوع می‌پیوندد که حتی مشمول قوانین تحقیقی نمی‌شود. اگر قرار باشد این گونه اعمال غیرشرافتمندانه در بررسی‌های جنایی و تنظیم نقشه جغرافیایی جنایت ملحوظ نشود بدیهی است که این نقشه جغرافیایی نمی‌تواند معرف حقیقی قیافه جنایی محلی باشد.

با وجود این امروزه می‌توان در همه شهرهای ایران وجود اختلاف طبقاتی، و توزیع ناعادلانه امکانات آموزشی و رفاهی را برای بسیاری از کودکان و نوجوانان ایرانی مشاهده نمود. نظر به این که همه این کودکان و نوجوانان سرمایه‌های ملی محسوب

می‌شوند، توزیع عادلانه‌تر امکانات و احترام نهادن به شخصیت انسانی آنها می‌تواند از میزان جرایم آنها بکاهد و در بروز استعدادهای آنان مؤثر افتد. به قول آلفرد مارشال (مشایخی، ۱۳۴۹) هیچ اسراف و اتلاف در ثروت ملی بالاتر از این نیست که بگذاریم نابغه‌ای کوچک در یک خانواده فقیر و گمنام به دنیا آمده، عمر خود را در انجام کارهای کم‌اهمیت صرف کند.

پیشنهادها

۱. توزیع عادلانه امکانات آموزشی و رفاهی در نقاط مختلف شهری و روستایی مراعات گردد.
۲. در هر استان، ابتدا یک شهرستان تابعه که دارای امکانات آموزشی مناسب‌تر و درصد بی‌سوادی کمتر است انتخاب شود و قانون تحصیلات اجباری در آن شهرستان اعمال گردد. تعمیم این روش در دیگر شهرهای استان باعث ریشه کن نمودن بی‌سوادی در سطح کشور در درازمدت خواهد شد.
۳. در هر استان برای ماده ۷۷ آئین‌نامه اجرایی مدارس که صراحت دارد، اعمال هر گونه تنبیه از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی جهت تنبیه ممنوع است برحسب شرایط محلی ضمانت اجرایی مشخص و اجرا گردد.
۴. جمع‌آوری کودکان و نوجوانان خیابانی و حمایت و آموزش حرفه‌ای آنان در یک مرکز شبانه‌روزی در دستور کار استانداری‌ها قرار گیرد. زیرا با توجه به خسارتهایی که نوجوانان بزهکار نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی وارد می‌سازند، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری جهت تأسیس یک مرکز شبانه‌روزی در استانها و شهرهایی که با

منابع و مآخذ

۱. آلپورت، گوردن دبلیو- جونز، ادوارد، ای، ترجمه محمدتقی منشی‌طوسی (۱۳۷۱)؛ روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون، مشهد، چاپ آستان قدس رضوی.
۲. دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۲)؛ اطفال و نوجوانان بزهکار، ناشر مؤسسه تهران تایمز، تهران.
۳. دانش‌پژوه، زهره (۱۳۷۹)؛ تشویق و تنبیه از دیدگاه متخصصان، فصلنامه تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال دوازدهم، شماره مسلسل ۴۵.
۴. زارع، ابوالفضل و سیف‌الدینی، حبیب‌ا... (۱۳۷۸)؛ بررسی انجام تنبیه بدنی در مدارس راهنمایی پسرانه ناحیه یک شهرستان یزد در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، پایان‌نامه دوره کارشناسی، دانشگاه یزد.
۵. زارع، حسن و دهقان، محمود (۱۳۷۷)؛ بررسی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در سالهای تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا ۷۷-۱۳۷۶ در بخش هرات مهریز، پایان‌نامه دوره کارشناسی، مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان یزد.
۶. زیاری، کرامت‌ا...؛ بررسی، تحلیل و برنامه‌ریزی اشتغال در استان یزد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۸۰، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۹۵.
۷. سالنامه آماری سال ۱۳۷۸، سازمان پزشکی قانونی، گروه آمار و خدمات رایانه‌ای تهران، ۱۳۷۸.
۸. ستوده هدایت‌الله (۱۳۷۶)؛ روان‌شناسی جنایی، انتشارات آوای نور، تهران.
۹. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران.
۱۰. شکوئی، حسین (۱۳۶۹)؛ فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
۱۱. شماعی، علی؛ مقاله «بررسی و تحلیل ساخت اکولوژی شهری در شهر یزد»، کاوش‌نامه، مجله علوم انسانی دانشگاه یزد، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۱۲. علومی‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)؛ بررسی مسائل نگرشی در نوجوانان بزهکار، مؤسسه انتشارات یزد.
۱۳. علومی‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)؛ تحلیلی از چگونگی ادامه تحصیل دانش‌آموزان معدل بیست استان یزد، طرح پژوهشی، دانشگاه یزد.
۱۴. علومی‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)؛ مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار استان یزد، طرح پژوهشی، دانشگاه یزد.
۱۵. فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۴)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات پدرا، تهران.
۱۶. کریمی، یوسف (۱۳۷۷)؛ روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آرسباران.
۱۷. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۴)؛ روان‌شناسی جنایی، انتشارات رشد، جلد اول، تهران.
۱۸. کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹)؛ مبانی جرم‌شناسی، جلد اول و جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. مجله اصلاح و تربیت، ماهنامه داخلی مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها (۱۳۷۸)، تهران، شماره پنجاه‌ویکم.
۲۰. مشایخی، محمد (۱۳۴۹)؛ آموزش و پرورش تطبیقی، چاپخانه دانشسرای عالی تهران، ص ۲۰.
۲۱. مطهری، مرتضی (بی‌تا)؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قسمت چهارم «انسان در قرآن»، انتشارات صدرا، قم.
۲۲. مقیمی، ابراهیم؛ مطالعه تطبیقی تقسیمات اداری ایران با حوضه‌های هیدروژئومورفولوژی و تغییرات آن در قرن ۲۱، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هفدهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز، مشهد.